



تاریخ فمینیسم

میشل ریو - سارسه
عبدالوهاب احمدی

این کتاب بدون مجموعه‌ی کارهایی است که از سال‌های دهه‌ی هفتاد به
این سوز رشته‌های گوناگون انجام شده است و به شیوه‌ای پخته و درگیر و فکری
و مبتنی بر مسایل زنان و فمینیسم را بررسی کرده است. در این کتاب به بررسی
زنانی که با کتاب‌ها و با رایزنی‌هایشان امکان این تألیف را فراهم کرده‌اند
سیاسگاری کنم به ویژه از:
کریستین بارز، سیلوی شاپرون، کریستین دیشی
المن شومینیک، فوزیرو لاس، کریستین پلانچ، کریستین پلانچ

۱۸۸۹۶۸۸۸ شماره پست پیوسته در آلمان شماره پستی
۱۸۸۹۶۸۸۸ شماره پست پیوسته در آلمان شماره پستی
۱۸۸۹۶۸۸۸ شماره پست پیوسته در آلمان شماره پستی
۱۸۸۹۶۸۸۸ شماره پست پیوسته در آلمان شماره پستی
۱۸۸۹۶۸۸۸ شماره پست پیوسته در آلمان شماره پستی
۱۸۸۹۶۸۸۸ شماره پست پیوسته در آلمان شماره پستی
۱۸۸۹۶۸۸۸ شماره پست پیوسته در آلمان شماره پستی
۱۸۸۹۶۸۸۸ شماره پست پیوسته در آلمان شماره پستی
۱۸۸۹۶۸۸۸ شماره پست پیوسته در آلمان شماره پستی
۱۸۸۹۶۸۸۸ شماره پست پیوسته در آلمان شماره پستی

انتشارات روشنگران و مطالعات زنان

دردی پس از جنگ یا محروم از حقوق ۸۷

۱۶۹- زبیری گذرای پس از آزادی ۱۵۸

۱۵۷- نام گذاری ۱۵۳

۳۰۸- زنان های دهی ۱۶۲

۲۸- زنان های دهستان ۱۶۲

۵۸- ۱۶۲

فهرست

یادداشت مترجم ۹۶۷

دیبچه ۱۳۷

پیشگفتار ۱۵

۳۵۶- از امرافین تا اصفهان ۱۷۶

۴۸۶- شهری های خیمکین ۱

زنان در انقلاب ۱۷

۱- افق امکان پذیرها ۱۸

۲- مسیرهای ویژه ۲۲

۳- در دفاع از همه گستری حقوق ۲۶

۴- تنش ها ۲۹

۵- شهروندان زن جمهوری خواه انقلابی ۳۲

۶- طرد از شهروندی ۳۵

۲

۱۸۰۰ - ۱۸۴۸، آزادی ناممکن ۴۱

۱- درباره ی طبیعت زنان ۴۳

۲- خارج نوازی ۴۶

۳- سال های دهی سی، سال های استثنایی ۴۷

۴- زن آزاد؟ ۵۰

۵- سرخوردگی ها ۵۸

۶- پایداری ها ۶۱

۳

- ۱۸۴۸، همه‌گستری در بوت‌های آزمایش ۶۷
- ۱- فوریه ۱۸۴۸، امید ۶۹
- ۲- رأی‌گیری یا ناهنجاری در همه‌گستری ۷۵
- ۳- باشگاه زنان، نهادی غیر متعارف! ۸۰
- ۴- ژوئن ۱۸۴۸، اردوی کارگران ۸۲
- ۵- سوسیالیسم در آزمون ۸۵

۴

- ۱۸۶۰ - ۱۹۱۸ پویش دراز آهنگ فمینیسم ۹۱
- ۱- گشایش به سوی آزادی ۹۲
- ۲- گفتارهای عمومی زنان ۹۵
- ۳- و کمون پاریس؟ ۹۸
- ۴- زمانه‌ی انجمن‌ها ۱۰۱
- ۵- میان انسان دوستی و فمینیسم ۱۰۵
- ۶- دستاوردهایی چند ۱۰۹
- ۷- انزوای زنان کارگر ۱۱۳
- ۸- و باز هم مسئله‌ی حقرای خواهی ۱۱۷
- ۹- شکاف‌های ناشی از جنگ ۱۱۸
- ۱۰- میان پرده: ویژه بود فرانسوی؟ ۱۲۱

۵

- دوره‌ی میان دو جنگ یا پیروزی فمینیسم زنانه ۱۲۵
- ۱- درباره‌ی ضرورت شنواندن آوای خود ۱۲۶
- ۲- «زن حق رأی می‌خواهد!» ۱۳۱
- ۳- رسمیت یافتگی ۱۳۸
- ۴- ۱۹۳۶، میان امید و سرخوردگی ۱۴۱
- ۵- صلح طلبی فمینیست‌ها ۱۴۳

۶

- دوره‌ی پس از جنگ یا حدود مرز حقوق ۱۴۷
- ۱- برابری گذرای پس از آزادی ۱۵۰
- ۲- دام مادری ۱۵۴
- ۳- سال‌های دهه‌ی ۶۰، چرخشگاه ۱۶۰
- ۴- تأثیرهای «جنس دوم» ۱۶۲

۷

- از آزادی زنان تا فمینیسم در تحول ۱۶۷
- ۱- جنبش آزادی زنان هم چون نیروی سیاسی ۱۶۸
- ۲- سال‌های دهه‌ی ۷۰، گسست ۱۶۹
- ۳- از اعتراض تا انتشار ۱۷۶
- ۴- تئوری‌های فمینیستی ۱۷۷
- ۵- انجمن‌ها ۱۸۰
- ۶- جنبش سهمیه‌بندی ۱۸۱
- نتیجه‌گیری ۱۸۵
- پی‌نوشت‌ها ۱۸۸
- واژه‌نامه ۱۸۹
- گاه‌شماری ۱۹۱
- فهرست اعلام ۱۹۵

می‌دانیم که در غرب، طرح کلی مسئله‌ی برابری آدمیان به طور عام و زنان و مردان به طور خاص در چارچوب نگرش نوین به انسان و جهان و پیدایش نسیمای نوینی از انسان ممکن شد. اتفاقی نیست که در آغاز دوران مدرن و هم‌زمان با فرو ریزش ساختارهای آیینی کهن و لرزش پایگاه‌های اجتماعی سرده، نخستین نغمه‌ی برابری خواهی زن و مرد در سیدم دوره‌ی نوزایش از دهان زنی به گوش می‌رسد و گذشته از گفته‌ها و نوشته‌های پراکنده، نخستین

دیباچه

بر خلاف نظریه‌های رایج، تاریخ فمینیسم در فرانسه با تاریخ فمینیسم دیگر کشورهای غربی تفاوت چندانی ندارد، تاریخی که پراکنده و با تاریخ سیاسی ناهماهنگ مانده است.

از انقلاب کبیر فرانسه به بعد، زنان که از حقوق شهروندی محروم مانده بودند تلاش کردند تا از محیط زندگی خصوصی و خانگی که «به طور طبیعی» برایشان مقدر شده بود به درآیند. در این راه اینان با کندی و گام به گام موانع را پشت سر گذاشتند و رفته رفته مشاغلی را که به مردان اختصاص یافته بود به دست آوردند. اما بی‌گمان گذر ناپذیرترین باروها همانا باروی امر سیاسی بود.

حقوق سیاسی که بسیار دیر (در اکتبر ۱۹۴۴) به «جنس دوم» واگذار شد، به ممنوعیت‌ها و به‌ویژه به محرومیت از کار بست قدرت سیاسی که امتیاز مردانگی شمرده می‌شد پایان بخشید.

این کتاب مسیرهای پرکشاکش و وجه‌های متعدد پیکارهای گوناگون برای برابری را تا مسئله‌ی روز «سه‌میه‌بندی مشارکت سیاسی زنان» ترسیم می‌کند که موفقیتش می‌تواند حفظ نابرابری‌ها را بپوشاند.

پیشگفتار

امروز فمینیسم در زبان جاری مردم واژه‌ای جا افتاده است. اما باید به این نکته توجه داشت که کاربرد این واژه، مطابق با معنی‌هایی که به خود گرفت، دیر زمانی تاریخ فمینیسم را زیر قیومت تاریخ سنتی نگاه داشت. همچنین، پژوهش در این زمینه به رغم دستاوردهای فمینیست‌ها، در حاشیه‌ی مکتب‌های تاریخی صاحب نام باقی ماند. به گفته‌ی ژنویو فرس^۱: «فمینیسم اغلب همچون بی‌نظمی، شور و شورانگیزی و هیستری نمودار می‌شد تا تعهدی سنجیده و خردمندانه در پهنه‌ی عمومی.» با این همه، کارهای پژوهشی اخیر سهم این موضوع نوین مطالعه را در نوزایی تاریخ سیاسی به خوبی نشان داده است.

هرچند ایده‌ی برابری دو جنس ایده‌ای است نسبتاً قدیمی اما واژه‌ی فمینیسم که بر آن دلالت دارد با باروشکنی وارد زبان سده‌ی نوزدهم شد. گرچه مدتها آن را به ژوریه^۲ نسبت می‌دادند اما در سال ۱۸۷۲ الکساندر دومای^۳ (پسر) این واژه را همچون صفتی خوار دارنده در باره‌ی مردانی به کاربرد که چون از حفظ مردانگی خود ناتوانند، با آرمان زنان موافقت نشان می‌دهند. باری، چندی نگذشت این صفت که به «زن سانان» متصل شده بود نیز در نهانگاه کاربردهایش ناپدید شود.

تا این که سرانجام ده سال پس از این تاریخ، اوبرتین اوکلر^۱ به واژه، معنای مدرنش را باز بخشید. بدینگونه فمینیسم با گذر از صفت به موصوف، به نشان و نماد حقوق زنان و پرچمدار برابری دو جنس تبدیل شد.

روشن است که نمی توان تاریخ پیدایش ایده‌ی برابری دو جنس را با دقت تعیین کرد. اینجا و آنجا برخی زنان - و همچنین برخی مردان - با باریک بینی نشان دادند که حق به جانب زنان است. در این زمینه می توان کریستین دو پیزان^۲ را که پایان سده‌ی چهاردهم و نیمه‌ی نخست سده‌ی پانزدهم می زیست پیشاهنگ شمرد. دیرتر در سال ۱۶۷۳ پولن دولابار^۳ با نوشتن اثری به نام «برابری دو جنس» مشهور شد. در دوره‌ی رژیم پیش از انقلاب فرانسه که مرتبه‌های اجتماعی رفتار و کردار فرمانگزاران شاه را تعیین می کردند، افرادی استثنایی زنجیره‌ای از گفتارهای انتقادی را پراکندند.

انقلاب کبیر فرانسه دوران نوینی را گشود. دوران شور و تمایل جمعی برای برابری هر کس و همگان. از این رو، کتاب ما با این لحظه‌ی بنیادگذار ایده‌ی آزادی ممکن برای زنان و مردان می آغازد. روشی که برگزیده‌ایم همانا دنبال کردن گام به گام زنان در دو سده‌ی گذشته است، زانی که با گفتارها و کردارهای خود در هر مرحله تلاش ورزیدند تا معنای همه‌گستری حقوق را، با دادن درونمایه‌ای عینی به ایده‌ی انتزاعی برابری، بنیوشانند. ایده‌ای که می دانیم در جریان تاریخ، به گستردگی، به عنوان صفت مردانه به کار رفته است.

در این کتاب، به سه مرحله‌ی آموزش و فراگیری شهروندی - از ۱۷۸۹ تا ۱۸۴۸ - از این رو بیشتر پرداخته‌ایم که روی هم رفته، در آنها پیدایش شکل نوینی از طرد زنان پرورده شد. هر چند این طرد در نظام قانونی به روشنی تصریح نشده بود اما سیستمی از ضوابط و آیین‌ها با تحمیل خود به نظام نمایندگی و همچنین به تجربه‌های فردی و جمعی، آن را خردپسند کرد.

زنان در انقلاب

با اینکه زمان، در درازنای مرحله‌های کوتاه انقلاب شتاب گرفت، اغلب، ضرب آهنگ سیاسی از توانایی انطباق یافتگی هم روزگاران با دگرگونی‌ها، پیش می افتاد. زمان، زمان خیزش‌ها، بحران‌ها و هراس افکنی بود زمانی که در آن لحظه‌های آکنده از شور و شورانگی با دلهره‌ی فردا در هم می پیچیدند. امید، افراد و گروه‌ها را به جوش و خروش در می آورد و سپس، در برابر بازسازندگان نظم، فرو می نشست یعنی کسانی که با استراتژی‌های مردد یا خشونت بار، پیوسته در جستجوی تعیین ضوابط و مقررات بودند. با این همه، امید، هماهنگ با ایمان انقلابی ناگهان از نو پدیدار می شد؛ هر چند که سرانجام در سال ۱۷۹۵ زیر بار فشارهای گوناگون به خاموشی گرایید. تجربه‌ی پر بار این سال‌ها که زنان آن را روز به روز از سر می گذراندند، با خواست آنان برای شرکت در فعالیت‌های ملت حاکمیت‌مند خود فرمان مایه‌ور شد و با نیاز بهره‌مندی از مزایای انقلاب پربارتر شد. هر چند این تجربه‌ی گذرا که در روایت‌های تاریخی آمده است هم صحنه‌های خشونت‌آمیز و هم جهش‌های از خودگذشتگی و بلندهمتی را به همراه داشت اما از نظر ایده‌ی برابری دو جنس تجربه‌ای بود بنیادگذار.

1. Hubertine Auclert

2. Christine de Pisan

3. Paulain de la Barre